

جای ادار و کتبا

سر دبیر سردار غلامحسین سالی

مخترافات و مکاتیب

بعضی از نامه ها

فومن . جنگل

مراه چهارم طبع و توزیع خواهد

کتاب نمره هفت شاهی

کتابخانه

۱۳۳۵

شماره پنجم زمی حوالی ۱۳۳۵

تخصیص اجرت لایحه و طلا

خصوصی با و افراد ارادت

مکاتیب بدون امضا

و عنوان پذیرفته نشود

و جاسزاک بعد از شماره درج شود

قیمت اسرک

بجمله ۵۰۰۰۰۰

این روزنامه فقط نمایان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

دیر مسئول حسین کجانی

قول را فعل لازم است

د عطف با سنی ، البته فارین عظام ما در نظر دارند که در شماره اول این جریده پس از ملاقات نمایندگان استیاد اسلام با نمایندگان کینه کار نیز و صاحب منصب قوشون دکر اسی رودیه رگنیز جرحازده ، در فومن و وعده های ساعده که داده بودند در خواست فعلیت نموده نظر شدیم که وفا بعهده خود نمایند .

مع التاسف آنها مواعید صمیمانه انعکاس دیگری شده کرده بجای تقویت و ایفای عهد و شکنجه ایران و غمزه اردوینه آتش گرفت ، فردین نهارت همدان غارت شد اغلب نقاط ایران بعضی چپاول درآمد قوشون تخته در در روس که بایک حواریت حیرت آور بر ایرانیان را مرت با و ده اخوت نموده بودند بنامی محبت را سنگ غارگری و ادت شکست تفت الهام و مانرزم

زندگانی یک ملت مردم پریشان بهت زده نایج که دند انجام آزادی دوره تراری را در عین اظهار برادری در دفتر بدتخی بی حاره ایرانی ثبت نموده بعد از آنکه امتد اظهار با دل خوشی و معصاف با یک و بنا به پیش شد ملتفت شدیم که هر چه باگنشد فقط قول بود بدون فعل در حالیکه

قول را فعل لازم است

گفتیم قوشون اراد دولت روس خلاف پسپلین نظامی حرکتی کرده یا خود سری نموده اند جاہل و بی تربیت در هر قومی وجود دارد ولی سیاستون و زمانداران فعلی دولت روس مطابق پرگرام و اعلانات رسمی خود تمام دنیا بیان حکومت روسیه را متکلف دموکراسی و ترک رویه بهاگیری حکومت سابقه و حمایت اقوام ضعیف و محافظت مل مطلوبه نهاده غمقرب باضافه بران حمایت دوره تراری استا همکار بهای اخره

قون افکار گشته خود خاتمه داده تجلیه ایران
و حکیم مانی اخوت و ایام جریحه قلبت ستم گان
ایرانی گذرات قلبی همه را مرتفع و غالب اجناس
صمیمانه ملت ایرانیه شوند.

انفوس ماین آرزو و نایل مکر و بد هم سهل
است ز ادنی الظهور نغمه آخری باود آتی
باتفاق دولت حق کس انگلیس برای درخوا
حقوق کیسیون مخلط موهوم دولت ایران
مقدم داشته واضح نمودند که تمام مبراهما
و کلیه ملکها یکجه سیران گذشته بدولت
دولت ایران وعده دادند پاس عملی
نداشت بلکه قول بود بدون عمل و صورتیکه

قول رافعل لازم است

ملاقات اخیره صاحب منصب روس
دیناریکلاویچ ، بانامه گان بنیت اتحاد اسلام
در شماره نهم جنگل بعضی قاریین رسیدند
واضح است این ملاقات نیز برای تشبیه
مبانی و داد و دوستی و اخوت بوده .
متعاقب موعیده این صاحب منصب محترم

باز می بینیم مجدداً قون از روسیه وارد
و بد اخذ ایران انعام میشود هر روز فریاد استغاثه
مظلومین قزوین و بجدان و ولایات دیگر
ایران گشت با مگر اقلین انداز گوشهای
آتش و بیگانه است متصل غارت و دگان
ایرانی از مصداق مورد برای رفع تعذبات نظامیان
روسی استرعام میکنند ، لایق قطع ناله بیچارگان
آواره از خانمان و لهای شتمین را کیست
بناید با نظهای سرسرسیده وزرای و کورانی

روس با نوبدهای گوناگونیکه از احزاب نظامیان
روسته با داده میشود متاخرانه بی مهم فشار
نظامی و پلیسی روز افزون امتیازات
مشور که در عیاب مجلس شورای ملی و بر خلاف
رضای ملت ایران از چند نفر وزرای خائن
گرفته شد مجوسی شده ، بعضی جهت قون
بر عده آنها میفرامند و بیاد داشت جدید
جدید احویات استقلال مارا تهنه میکنند
گویا اصلاً در مقام دوستی عمل را لازم داشته
قول تنها را کافی میدانند در حالتیکه :

قول رافعل لازم است

در عوالم و داد و درایت کجایی مقتضی نمیدانم
که برده زراکت را بالاراده ای با واقعات
ناگفتنی را بگویم و جمع حوادث جاریه را با جز
ئیات آن مطرح نمایم زیرا همه وقت تسلیم
داشته ایم که ملت روس نجیب و نیت
بایران همه وقت صمیمیت و صداقت ظاهر
نموده و بنمایند لیکن در زمانه فخر متحده فخلیه حلو
و موکراسی روس بعضی کیفیات پرازد اسرار
نظا هر نموده و برخی مقامها از روزنه آوزوهای
دیپلماتی عرض اندام مینماید که نه ابرایان نقطه
بروز چنین مرموزاتی بستند و نه حاضر حال
حریت پرور روسیه راضی میشوند غلبت
من که جنگل وی بهره از اطلاعات بیانیه
مستم باید اعتراف کنم که از محل این معما عاجزم
بقیاً وطن پرستان حاس و عالم روسیه
که از همه چیز آگاهند خواهند باقی این راز
اقدام کرد و مثلاً کراسف قونول سابق روس

مقیمت یافته افعال فالنامه خود که در بار مستنده
 روس نیز از او منصرف شد شعبه آسیانی وزارت
 خارجه روستیه منصوب گشته اثرات یک همچو
 انجالی محتاج تشریح نیست .
 با و داشت رابع کمپون مختلط موهوم بدو
 ایران تقدیم میشود منتقل بعدة قشون در ایران
 افزوده در این سال که خشکالی و نقصان زرا
 ایرانیان رقت خیز است و تحصیل آذوقه خود
 قادر نیستند با اینهمه نفقات عسکریه در سبب باید
 آذوقه داده یعنی آخرین مقدار قوت یومیه خود
 بزور سه نیزه و شمشیر باید تسلیم دارند بعلاوه
 غارتها و خرابیها جهت پذیرائی از مسلمان محترم با
 کمال حسرت باید از گرسنگی تلف شوند با اینهمه
 فلاكتهای موجوده که بر ملت روستیه نیز پوشیده
 نیست و با اطلاع کاملی که از دسایس انگلیسها
 بجهت بقای قشون روس در ایران و آزارهای
 گوناگون آنها دارند و با بهر روی و صمیمیتی که از
 اجراء و دیگر اسی روستیه اظهار میشود و با اینکه
 حس کرده اند که بقای قشون در این ملکیت
 جواب باعث ضرر و خسارت بخود و خرابی بقیه
 آبادی ایران خواهد شد و منجمد انگلیس میرد
 معیند در اختتام این فلاكته اقدامی نشود بجای
 حیرت است .
 همین پیچ و خمها ، همین تربیات غیر منطره
 همین حوادث جاریه بلاشبه با حق میدهد
 که اقوال و داستان برادران حریت پرور خود را
 با کمال معذرت تحت نظر وقت آورده و
 بانظار عمل باقی بمانیم و بگوئیم که قول تنها مکنی

نیت بزرگ
قول رافع لازم است

ما از روستیه آزاد چه انتظار داریم ؟
 ما منظریم روستیه آزاد زیاد بر این التاجری
 انگلیس شده ایر از ازعای که خود شکنیه نماید
 ما منظریم روستیه دموکراسی ما را از طرف
 شمال آسوده گشته تا افکار و اعمال عناصر
 فعال با برضع مدخلات حق شکنانه انگلیس
 مصروف شود .
 ما منظریم روستیه متحد و بعلاوه اینکه موجوده
 باین نکته بوده که در سوتی قشون با ایران بدو
 دارای منفعتی نخواهند بود بالعکس فوائدش
 بتمامه عاید بریتانیای مکار میشود باین سبب
 نیز توجه نمایند که بقای قشون روسی بخاصه
 خرابیهای دیگر لفظ و عیلامی موجوده افزوده
 هزار بار و نایکه مستی آنان مطاول همین میان
 برآوردت از گرسنگی تلف خواهند شد .
 ما منظریم روستیه آزاد بر جهت قشون خود
 ما را از یکطرف راحت نموده که تا انگلیس بخاک
 سو، خود در جنوب کاملاً موفق نشده قادر بکلوبگری
 و دفع تجاوزات او شویم .
 ما منظریم روستیه آزاد با لغای امتیازات مرسومه
 قدیمه و جدیده و سجد به نظر در مواد مضرت میسبب
 سابقه و لاحق و ابطال آنچه را نیز که حاجی استغلال
 ما است بلکه بسا عدتهای عملی ما را معاودت
 کرده تا نگذاریم انگلیس ایر از ما نماید سایر
 قطعات مستملکه خود نیز بخراسارت مقید نماید .
 بالاخره ما منظریم که روستیه آزاد عجالتاً مقرریم

خوابها یکدیگر قیداً و جدیداً از قشون و دولت روسیه با و اردش اقدام نموده و بقول آنها در دوستی اکتفا نماید بلکه با عمل برابر شود

کند زیرا در همه حال :
قول را فعل لازم است

با یک دنیا احساسات آمیخته با محبت قلبی مملو از اطمینان عملیات دموکراسی و تجدید پروان شرافتمند روسیه که در همه حال بجهت نظرشان حفظ استقلال ایران و حمایت ملل مظلومه است تقدیر میکنیم و میدانیم که با چه پایا و روز با مشکلات حیرت انگیز مصافح هستند ولی چنانکه دیگر طاقت تحمل و توانایی صبر نمانده ثروت، تجارت، امنیت، و همه لوازم زندگی برای توقف قشون همسایگان در ایران معدوم شد سهل است فحطی همه را تهدید بهلاکت می نماید و دولت انگلیس نیز موقع انقضا دانسته دست و پای ایرانیان را بیگانه قشون روس مقید کرده و در کمال سرعت مشغول اجزای نفع و خیالات خود می باشد.

واضح تر بگویم : دموکراسی روسیه اگر در این خیال باشد که بعد از موفقیت با اصلاحات داخلی خود و ختم حربین عالم سوز جانب بین المللی ما بر دازد و دیگر ایران باقی نماند و بر مقداری هم که باقی ماند با بساطی که انگلیس در ایران چیده باید به بقیعه نیز فاشه بخوانیم در این صورت تکلیف دموکراسی روسیه درباره ما چیست و باز او چه میخواهیم؟

یک حرف حساب یک کلمه مطابق عدل و انصاف و یک حق مشروعی که همه مفسدین عالم با تصدیق مینمایند ما را بسا و گذارند بیطرفی ما را محترم شمارند
خیلی بعید است که بگوئیم دولت آزاد روس ضامن جنایات در بازگانه تساری است لیکن ترمیم خوابهای آن دوره منحوسه و جلوگیری از خوابهای فحطیه را که هنوز دامه اش در ایران امتداد دارد و قیام در عالم دوستی باید عهد وارشوند .

دولت روسیه هر قدر بقای قشون خود را در ایران تعجب کند فقط فایده انگلیس و خسارت روس و خرابی ایران کم کرده پس در این حالت تکلیف چیست همان و از آنکه قبلاً ذکر شد : مساعدت و پشتیبانی و تطابق قول را فعل لازم است :

قول را فعل لازم است ؟
آیا دموکراسی روس از نیات انگلیس بخرند ؟
آیا پشتیبانی جدیدی در آنها متقد شدند ؟
آیا پرگرام عملی انگلستان محور روسیه و البته

بلیع تمام کشور آسیای غربی ؟
آیا با رژیم و سانس بر میانیمای خوشی کش در حجاب غفلت و جهالت همه ما باید مستور باشد ؟

دولت انگلیس در بار مستبدانه روسیه راجحی خیالات خود در ایران قرار داد و این ترتیب روسیه را منفرار بر انبان و خود را محبوب و دوست جلوه گر ساخته فایده عاید و نفرت و وبال

برای روسیه ماند .
 با اینکه حقایق باز از آن مکتوف گشته عارف
 و عامی میگویند که سبب تدویر و ریاضی کاری
 بریتانی روی آب افتاده عجا باز هم حکومت
 و موکر اسی بر روسیه مثل در باز بسته قدیم
 در دریای نیرنگ او جاب و اسرگردان است
 انگلیس خوبی دانسته که با وجود نظامیان روس
 ایرانیان بجهانی که بر همه واضح است قادر
 با اصلاحات نخواهند بود باین جهت ادامه
 این توقف را هر قسمی است فراهم کرده تا پلیس
 خوب را موفق نشود و آرزوی خود انجام نگیرد
 از آن بهتر نمی که ممکن است قشون روسیه را
 خارج دایران را از مضم رابع بگذرانند .
 بعد می که اطلاعات ناقصه ما اقصا کند
 باز از آن که معلومات محدود ما وفا نماید و
 بمقداری که ورق پاره نگنجایش داشته باشد
 در کشف حقیقت امور و وسایل انگلیسها اقدام
 نموده با یک عالم امید از و موکر اسی روس
 تقاضا میکنیم که با توضیح نیات انگلیسها در
 ایران تجلیه قشون خود و برابر مودت
 ما را معاودت نمایند که توانیم تا فرصت از
 دست زفته سستی مقابل سلیهای طبیعت
 تجاوز کارانه دولت انگلیس کشیده باشیم باین
 تعلیقات صمیمانه ما را از انتظار رمانند و ما
 که بهر حال دوستی قوی کافی نیست عمل شرط
 است زیرا افضل لازم است
 ❖ قول را افضل لازم است ❖
 - انتهى -

مکتوب شهری
 بی حسی تاکی
 جلب نفع و دفع ضرر نه تنها از نعمتات انسان
 است بلکه حیوانات نیز واجدین و دیده الهیه شده
 عجا ما ایرانیان امروز بقدر حیوانات از این
 صفت طبیعی بهره نداریم .
 نمیگوئیم امروز همان احساسات و غیرت و سزا
 و تکامل سایر چیزهایی را که اقوام سیره دارند
 باید دارا باشیم مسلم است علم میخواهد مرتبی میخواهد
 بهت میخواهد بالاخره همه چیز میخواهد این هم چون
 تحصیلش بآسانی ممکن نیست یا وقت لازم دارد
 فعلاً از ذکرش میگذریم لیکن چیزی را که هر موقع
 اراده کنیم ممکن است بموقع اجرا بگذاریم یک
 مطلب خیلی آسان و یک کار بسیار ساده است آن:
 جلب نفع و دفع ضرر است
 اینها را از مشوره قدیمه و یا اینها را از آنکه یکی نفع
 وزیر میرف از موقع بخران ایران استفاده نموده
 بنحوش تار یا و امثال آن داده اند لغو و ن بقول
 ... محکم با صلاحیت یا مذکرات دیپلوماسی
 میخواهد حرفی نداریم، اما مسافرت و صلح الی تجاره
 با خط این سر بازار با کرایه کراف و کور کور است
 میرفت کار آنان شدن و با کمال شایستگی
 آخرین دینار از بقایای رشوت ملی را بکسب نمی
 که برخلاف قوانین جاریه ملکی بجهت اعتباری گرفته
 ریختن آبا بر بود بهذکرات دیپلوماسی است ؟
 یا راجع بجنس و غیرت الهی ؟
 در این صورت نباید گفت که از حیوان بدتریم ؟ زیرا:
 جلب نفع و دفع ضرر

حیوان عقیده و مانی بهره ایم !
 خوشتر یا امتیاز راه آهن برابر از محمد نیکان
 تکابنی سپهسالار سپاه عارت مملکت گرفت
 دلخوش شدیم بر امتیازی که بدون تصویب
 مجلس شورای ملی گرفته شود با معذرت آقایان
 محترم، عاطل و باطل و از درجه اعتبار ساقط و در
 نزد انجمنی شرع انور غیر مسموع خواهد بود و غیرت
 ملت میدارنده از دولت عاده مشروطه
 مرحوم را خوشگوار دولت هم امر با محابات
 نموده دارالشورای کبری تشکیل دکایی این
 و متوجه بکرتسی و کالت جالس بعد در محال
 محال نیست غمخواری ملت را نموده ابطال این
 امتیاز و سایر امتیازاتی میدهند البته
 خوشنایا و امثال او خارج این قسمت بزرگ
 منافع مملکتی عاید ملت خواهد شد !
 اما حالتی که دارالشوری تشکیل شده با آرزوی
 افتتاح آن که (آرزوی بچوانان و عیب نیست)
 روز میگذرانیم در این مدت نباید بقدر ذره
 حس ملی ظاهر نموده با این ماشین مسافرت
 نکنیم مال التجاره بدیم باز برابر گرایه باین
 گزافی زدیم ؟
 قدری با جانب بفرماییم که امتیازات غیر قانونی
 قبول نداریم . آیا مجلس شورای ملی قیام این
 امر مخصوص باید باشد ؟
 و هنگام اسراف بند دست ما گرفته بفرود
 ما تعلیم بدید که :
 جلب نفع و دفع ضرر
 حیوان هم دهنه و شما بقدر حیوان هم میدانید !

کسانی که بخار و مسافرت کرده اند یا راه آهن
 شاه عبدالعظیم طهران را که آنهم مال اجنبی است
 دیده اند متوقفند که گرایه ماشین برای هر نفر
 باز کرده شاهی الی کیقوان و مال التجاره هم با حرج
 نازل حمل میشود
 بدینجا از این خط هنوز کاملاً بکار نرفته بود
 مردم بقدری سختی و حرص در سواری آن ظاهر
 کرده که در اول امر از هر یک مسافرتی یک
 پنجران و صره دو سه توان گرفته اکنون هم
 میگیرند عقیده داریم اگر یک تومان مطالبه
 کنند میدهند ابد احسن نمیکند که نباید داد
 و بجای آنکه اجانب را نباید بر نمود !
 صرف نظر از اینکه جمع کثیری از انجمنی وطن
 بیکار با عیال خود گرسنه و بی نان مانده اند
 مرد مراغم آن بچاگان میت ایام خود را
 نباید نخورند ؟
 برای نفع خودشان نباید حاضر شوند ؟
 در حالتیکه :
 جلب نفع و دفع ضرر
 حیوان هم میدانند !
 گرایه یک درشکه با پیاز رسته تقریباً در آن
 ممکن است با درشکه مسافرت نمودن و
 از این راه گلی نبعاشش جمعی از بچاگان
 کردن و خود نیز بهره بردن مگر باعث آرزو
 اجرو جلب نفع نیست یا چند روزی حرکت
 با ماشین را متوقف داشتن تا گرایه را
 کرده و مبلغ کلی صرف جماعت باشد ضرر
 خواهد داشت !

مظربودیم انالی ملکیت که خرد لاس درک این منسی ورن
 اسراف به تراخیات را بنامید متاسفانه بدیم کجارتز
 شروع بجمل مال التجاره نموده اند !
 امی آقابان تجار که بجای تاسیس شرکتها با کجا کار
 خانه ؟ کپاینها و سایر امور که باعث از زیاده برد
 ملکیت است دلال خارج شده بعلاوه هزاران
 خطایای ناگهشی و غیر قابل جریان بایک رویه
 قیامت آور حتی قوت انالی را بخارج محل کرده
 آخر لاسم خودتان و جار خارت و مردم را بخت
 مبتلا کرده و بازم مشولید محض رضای خدا در این
 کار قدری قنیه شوید فردا که محل متاع مخیر باو
 خوشتر باشد و سیل نقلیه محلی از میان رفت
 آنوقت گرایه را بهر سزانی ترقی دهد چه علاجی
 خواهید داشت ؟

ایا این مبلغی که بجا دارد خوشتر یا مید برای کدام یک از
 تاسیسات خیریه شما بدو نخواهد خورد ؟

اگر تاسیسات خیریه مثل همه وقت رغب نباشید آیا عاذه کرایه
 خود نمائید ضرر خواهد بود و عظیم نهایی وطن نصایح را قبول
 کنید بیخیز

اوقات کیلکی

ای کبک مردن در پوزید طبعیل نموده دار سر
 وقت عشق بلا سوختلان بشیدی کار سر
 مناصف مرا به بجه کجه بخور دی می
 غوامت ندای می باموی بار شده
 باغ زرش نداری می بای چشم نداری
 خانه سر خرابه فاکون و با طار شده
 کاشتن و پیش کاون زدن بزربکار کون
 قوت کر کدن خوانه خاک پاشی بکار سر
 ناست کون چه مشکله و بین دوباره سخت تر
 قربان بشم بکار پی قنوه خانه بار سر
 ایبه بکار خور متوار باب غومت فاکره
 قوفیه بر آیه کینه بر ساعه پاکار سر
 ارباب اگر در این جا راه نامه تا به
 عاشا گنم بدن بیزه که نشسته بود در سر
 هزار دینیت زنی بر سج از دهانی شتر خم
 شاه کینه خاک کینه از باب کوه خاگر سر
 سرور و نابکار ابو ایبه ارباب برار با تو
 این ملک در بار با مو خاک به آخو بر با سر
 آزادی در میان با تو کنایه استوری
 کسی نشانی زور کون کوریشو سواد سر
 آونی و طایع ای کورتم تو مینه کینه کسی گو
 لا بالش کرفج به تن لبث دارم بر سر
 امب خروس خوانه در پوزید بای کینه ششم
 میدر نمسته که خدا کنیا ایسا یم کدر سر
 فقه چند بزین به چشم جو بوم و شوم
 رفت بیخو صفر قدان خیر شوم بی باهر
 همه کفتم سر صبا سر بر سر
 شایو کب فخره ک کور نشین بر سر

حال که مصترم چند اقدامی شده که رنگی بکاری
 جمع کثیری از انبای وطن را اجیت نید مید اقلانک
 فرار قطعی در گرایه داده که ضرر یک جمعی است
 نفع شما گشته بجا مانان بصدوق بکایه زود
 امی کسایکه با این ماشین بکرایه کراف مسافرت نموده
 بی آنکه بشمید چه میکنند قدری غفلت و حسرت را
 بکنون نهاده تلفت شوید امروز در اول کاپنجبران
 و تفران از هر نفری کرایه میگردد بعد از کمال که دیده
 در شکله می برای بدبخت برای ضرر و خارت از میان
 رفشد آیا کرایه را دوستاوی نخواهند نمود ؟

واقعات اروپا

در این هفته اخباراتی منی بر ضدت شایان تهیه آقایی مصطفی خان
 نماینده محترم بیت اتحاد اسلام با و رسیده برای منی منجات و فدای
 در پیش از خبرات آیه موکول نموده اولت که انبهای منی مصطفی خان

برای امروز چه علاجی اندیشه نموده ؟
 خدو ز می مسافرت با ماشین را متروک کرده وض
 نمائید که این راه از رفته تا کرایه را از ران و زار
 قاطعی در این خصوص ندینند .

چرخند پرند
فضایح واخذ
پرودت

عده از مسلمانان جنوب ایران به هیوردیان انگلستان پرت نمودند که
طبا و جویزینی ایران پلیم شدن را بر خود مجبور نمودیم شاید از سرگیری
خصوصی باقی میماند و هر یک که تمام ملل عالم برای حفظ مندر و توسعه
جایگیری انگلیس مفروضه گاهای بستند
تعمیر

جست و جوی برای اینکه تا بل خود را هیچ طرف مخطوف نماند که مورد طعن
جوابه از قبح که در متعده شدند تا مزاج ... و ... و ... و ... و ... و ... و ...
تا چند سده گوی که با این سلامت بر کنایت و اینجا حلاوت در بیان

فایده فایحای جنوب

یک قدر مرکب از آه و سیمان یک مشت فایحای جنوب را در دست
در این از تفتان انگلیسها و نوکران ایشان سرار ضربت مجلس مبتدل
از راه لوط بخوانان و از خراسان بر وسیله و از رسته به سحر خیز و از تلی
پیاور شده اند و از تلی بقضای جنگل سرور گشته این آه و سیمان آتین
از بس راه دور موجودند مثل گانه خنک کننده که متوکل می خاس را بر آکنده
یکند هوای لطیف جنگل را استعموم نموده خوب است بهت دولت آبی
اینکه بیای تحت دره و گنبد این طرف و شوارع را هم و نظیف بگذرانند
چنانکه انگلیسها مگر اف دیت را برای نظام الهی مانور کرده اند

قیمت مسات

هر دو از منجات براید روسته و اخبارات مقصدان اقتصاد می آید
مسات با بدقیمت مطبوعات باشد پس در ایران حتی در بدترین است

سوره لقاهم

خدا ای ایرانی در روسته از کار اقصای نیابند و بیچاره را بیگانه
نی توانیم کار کنیم زیرا اگر سنا ایم در بقدره خوب است فوراً
خارت انگلیس در طهران که تیر میکند که بنده در تصرف است

سیادت میخواست

محل فرخنده است

او اولما سون : بو اولسون (حالا که نشسته به)
دولت فخره انگلیس که در جنگ کنونی مقابل تحت البحر بیای چیه
تاب مقاومت نیارده بیادست بحری را ارف داده است نصمیم
نموده که بیادست بری را (آرزو بچو انان عیبت) تعقیب نماید
بجد و سایر بیایگان که قادر به تخطی نیست زیرا همه گویا مثل تحت
البحری خطرناک هستند ناچار توسعه خیاالش به جنوب ایران معطوف
کرده تا در موقع مغایرت تا یمنی و جغرافیائی اختلاف ازین راه
بیادتی دارا باشد بحری نشد بری باشد حالا که نشسته شرا بد

(۱۶۰۰) حاجی ملل ضعفه طرفدار دول صغیره)
تخصیص راه اطلاعات خارجه
یک جواب راست

از دور پر رسیدند سقوط ریکاراجه شده بدون تردید در ادب
جواب داد چون اثری از آثار انگلیس در آنجا نبود
راست تر

سوال کرده مگر انگلیس با متعین شرکت ندارد جواب داد
بانتفع شرکت است نه ضرر
خسارت تاریخی

در جمله فوق العاده مجلس معونان انگلیس متر لویه رزر میگوید کلته
بنیاد تاریخی رزمین باید از جهان کم نمود که برای حفظ حیات خود
مقابل حرص و از جایگیری بریطانیا اقدام بکن نمودند
موافق تاریخ زمانی در اصل کرمانی بودند و اما نهایی امروزه شاهزادگان
کرمان هستند که هجرت بان فقط کرده اند دولت انگلیس
قلع این ماده را به سگیلات پلیس جنوب وجه خویش قرار داد
تقسیم نمودند برای خانه دادن بکن کنونی اول کرمان را که
بمعن تولید رزمی و سید و فو تاریخی است موندوده با قزوین
آب اسباب خونریزی فراهم نشود از قرار معلوم کلته
جنوب از لغت کرمان میوزد هر گاه بیت آگادی از
و کسوزن را هم دیگری بجهت کرمان استخراج کنند شاید کلته جنوب